



 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

 10.22034/marifat.2024.5000925

 20.1001.1.10236015.1403.33.2.2.5

An Analysis of the Role of Religious Missionaries in Establishing the Credibility of Modern Islamic Civilization: Solutions from the Perspective of the Supreme Leader of the Iranian Revolution

Mohammad Afzali  / Level 4 of the Qom Islamic Seminary, Jurisprudence and Principles mafzali96@chmail.ir
Mohammad Fooladi-Vanda / Associate Professor of Sociology Department, IKI fooladi@iki.ac.ir
Received: 2024/12/24 - Accepted: 2024/12/29

Abstract

The present era is the era of return to Islam, awakening, and return to Islamic civilization. The doctrine of the Islamic Republic of Iran is introduced by its Supreme Leader to be dynamism of Islamic civilization with the roadmap of the Islamic-Iranian model of progress. Using a descriptive-analytical method and a documentary study, this article seeks to explain the role of religious missionaries and provide solutions for the credibility and dynamism of the modern Islamic civilization from the perspective of the Supreme Leader of the Revolution of Iran. According to the results, achieving this civilization has several stages: the victory of the Islamic Revolution, the formation of the system, the government, the country, and the Islamic nation or civilization. The role of religious missionaries is crucial in establishing the credibility of the belief in the possibility of realizing and maintaining the dynamism of Islamic civilization, following the roadmap of the "Islamic-Iranian model of progress"; because the clerics paved the way for the victory of the Islamic Revolution of Iran through the 'jihad of explaining' and promoting Islamic awakening, which laid the initial foundation for building a civilizational identity, and they seek to form an Islamic country and civilization, in the form of a new Islamic-Iranian civilization, with the aforementioned model by shaping the Islamic system and government. From the perspective of the leader of the Iranian revolution, there are two major theoretical and practical approaches that lead to belief in the dynamism of the new Islamic civilization, which are in fact the crucial role of religious missionaries in the three religious, political, and social spheres.


Keywords: missionaries, roadmap, credibility, culture development, new Islamic civilization.

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیلی از نقش مبلغان دینی در باورمندسازی تمدن نوین اسلامی با تأکید بر ارائه راهکار از منظر رهبر معظم انقلاب

mafzali96@chmail.ir

fooladi@iki.ac.ir

محمد افزلی  / سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم

محمد فولادی وندا / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

چکیده

عصر حاضر، عصر بازگشت به اسلام، بیداری و بازگشت به تمدن اسلامی است. پویایی تمدن اسلامی با نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به‌عنوان دکترین نظام جمهوری اسلامی ایران توسط رهبر معظم انقلاب مطرح گردید. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه اسنادی، درصدد تبیین نقش مبلغان دینی و ارائه راهکارهای باورمندسازی و پویایی تمدن اسلامی از منظر رهبر انقلاب است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که نیل به این تمدن، دارای چند مرحله پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیل نظام، دولت، کشور و امت یا تمدن اسلامی است که نقش مبلغان دینی در باورمندسازی و باور به امکان تحقق و پویایی تمدن اسلامی، با نقشه راه «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» بسیار حیاتی است؛ زیرا روحانیون با جهاد تبیین و ترویج بیداری اسلامی، زمینه‌ساز پیروزی انقلاب اسلامی شدند که خمیرمایه اولیه ساخت هویت تمدنی را فراهم نمود و با شکل دادن به نظام و دولت اسلامی، در پی تشکیل کشور و تمدن اسلامی، در قالب تمدن نوین اسلامی - ایرانی با الگوی مزبور هستند. عمدتاً دو راهکار عمده اقدامات نظری و عملی از منظر رهبری انقلاب، موجب باورمندی به پویایی تمدن نوین اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین نقش مبلغان دینی در سه ساحت دینی، سیاسی و اجتماعی مطرح است.

کلیدواژه‌ها: مبلغان، نقشه راه، باورمندسازی، فرهنگ‌سازی، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

به اسلام ناب و تشکیل حکومت اسلامی در همه ابعاد فردی و اجتماعی و با پیشرانی مردم ایران و در قالب بومی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و با هدف جذب و بسیج حداکثری ملت‌های مسلمان، بدون تأکید بر قومیت، ملیت و نژاد خاصی قابل دستیابی است. بنابراین، برای تشکیل امت واحده اسلامی و جذب حداکثری ملل مسلمان، تأکید بر اصول و مشترکات مسلمانان، دینداری به‌عنوان عنصر هویت‌بخش و بازگشت به اسلام اصیل، در کنار آگاهی‌بخشی به ملل مسلمان و بسیج آنان برای ترویج و تحقق احکام و آموزه‌های دینی و معارف ناب اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}، تشکیل حکومت و تحقق عدالت در عرصه‌های گوناگون لازم و ضروری است. با فراگیری جنبش‌ها و نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان، داشتن قطب‌نما برای تعیین جهت و مسیر حرکت تمدن نوین اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر است. از این‌رو الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی در این زمینه به‌عنوان قطب‌نمای مسیر حرکت تمدنی مطرح است. این الگو، الگوی مناسبی در این عرصه است که می‌تواند نمونه آرمانی برای نهضت‌های رهایی‌بخش باشد.

با مطالعه تاریخ انبیای الهی و با دقت در متون و منابع دینی، هیچ دلیلی برای تخصیص و استثنایپذیری دوره‌های غیبت معصوم از تلاش برای بازگشت به تمدن اسلامی قابل اثبات نیست. افزون بر عمومات قرآنی (مانند: ۳۳ و ۳۸؛ نور: ۴ و ۵؛ نساء: ۱۰۵) و روایی (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۱؛ الصدقی، ۱۳۶۶ق، ج ۵، ص ۱۹۵) مؤمنان را به تلاش و مبارزه برای ایجاد یک جامعه دینی و یک تمدن الهی در همه زمان‌ها دعوت می‌کند. برای نمونه، در ضمن روایتی از امام صادق^{علیه‌السلام} چنین آمده است: «ان امیرالمؤمنین صلوات‌الله علیه، قال: الحمد لله الذی لم یُخرجنی من الدنیا، حتی یبیتُ للامة جمیع ما تحتاج الیه...» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۱۰۶۳)؛ حضرت امیر^{علیه‌السلام} فرمود: سپاس بی‌پایان خداوندی را سزاست که مرا از این دنیا بیرون نبرد تا اینکه (احکام) تمام آنچه را مردم به آن محتاج‌اند، برایشان بیان کردم. از منظر رهبر معظم انقلاب، تمدن نوین اسلامی؛ یعنی تمدنی که باید علاوه بر وجود پیشرفت همه‌جانبه در همه عرصه‌های آن، در اوج بهره‌مند از نعمات معنوی باشد. علم همراه با اخلاق، قدرت همراه با سیاست از ویژگی‌های چنین تمدنی است. تمدن نوین اسلامی دارای دو بخش

مکتب حیات‌بخش اسلام که از همان ابتدا پیام جهانی داشت، پس از گذشت چهارده قرن، همچنان به‌عنوان یک دین رهایی‌بخش در جهان مطرح است. فلسفه تشریح اسلام، هدایت همه جهانیان است. پیامبر گرامی اسلام^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، در انجام این رسالت الهی - انسانی، بسیار موفق عمل کرد و توانست انقلاب فرهنگی و اجتماعی کاملی در جامعه زمان خودش تأسیس کند. مسلمانان نیز با الهام از اصول و شاخصه‌های اسلام و سیره رسول اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} موفق شدند با تأسیس امپراتوری عظیم اسلامی، طی چند قرن بر بخش اعظمی از جهان حکومت کنند. تمدن اسلامی که خاستگاه قرآنی دارد، با عزم والای پیامبر اسلام^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در یرب، بنیان نهاده شد، با اهتمام جدی مسلمانان مرزها را درنوردید و تمدن‌های شناخته‌شده معاصر خود را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد (ولایتی، ۱۳۸۴، ص ۳۹). هرچند سیر تکاملی تمدن اسلامی پس از چندین سده اعتلا و پویایی، بر اثر عوامل درونی و بیرونی، دچار افول گردید، اما فرهنگ و تمدن برخاسته از اندیشه اسلامی، به‌رغم گسست‌های عملی، سیاسی و اجتماعی دولت‌ها، هیچ‌گاه به فراموشی سپرده نشد و همواره احساس بازگشت به اسلام و بازسازی تمدن اسلامی، به‌عنوان دغدغه اصلی اندیشمندان جهان اسلام مطرح است.

امروزه تمدن نوین اسلامی - ایرانی، از جمله موضوعاتی است که توجه به عوامل، زمینه‌ها و پیشینه‌های تاریخی آن ضروری و راهگشاست. عصر حاضر، عصر بازگشت به اسلام، بیداری اسلامی و نوسازی تمدن نوین اسلامی - ایرانی است. امروزه با فراگیری جنبش‌ها و نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان، داشتن قطب‌نما برای تعیین جهت و مسیر حرکت تمدن اسلامی، اجتناب‌ناپذیر است. از این‌رو انقلاب اسلامی به‌عنوان پیشران این نهضت بیداری و الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی در این زمینه، به‌مثابه قطب‌نمای ایفای نقش می‌کند. هدف نهایی این تمدن نوین، تشکیل امت واحده اسلامی و احیای تمدن اسلامی بر پایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق هست.

از نظر رهبر معظم انقلاب، بازگشت به تمدن اسلامی، در قالب الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، دارای مراحل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و تمدن اسلامی است. به‌عبارت‌دیگر، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، مشروط به بازگشت

می‌تواند نقش مؤثری در الگوسازی برای تمدن نوین اسلامی در پیش داشته باشد. به نظر می‌رسد، نباید به مسائل به‌صورت آرمانی نگریست، نگاه آسیب‌شناسانه، برای رفع مشکلات، ضروری است.

- مقاله «تحلیلی بر ابعاد و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی - ایرانی از منظر مقام معظم رهبری» (فولادی و حسینی، ۱۳۹۸): نویسندگان معتقدند که بر اساس نظریه تمدنی رهبری انقلاب، حرکت تکاملی جمهوری اسلامی ایران در گرو «رویکرد تمدنی» و محقق ساختن الزامات مهم و راهبردهایی است که شایسته است نخبگان علمی و فکری به تبیین این اندیشه علمی پرداخته، درباره چگونگی کاربری آن، به پژوهش‌های کاربردی مبادرت ورزند.

- مقاله «چیستی و ارکان تمدن نوین اسلامی» (جمالی، ۱۳۹۶)، به بررسی عناصر تمدن نوین اسلامی در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. بر این اساس، تمدن نوین به دنبال تحقق آرمان‌های منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران است که به دنبال، آزادی عدالت و معنویت در سراسر جهان است. شاخصه‌های این تمدن در آرمان‌های والای دین اسلام قرار دارد که با تقییح احکام و روایات روشن، زمینه‌ساز سعادت بشری در آینده‌ای نزدیک است. آنچه امروزه می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای برای بازسازی تمدن نوین به کار گرفته شود، پیاده‌سازی سبک زندگی اسلامی است که متضمن ارائه الگوهای مؤثری در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی سیاسی و فرهنگی است.

- مقاله‌های «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری» (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳): «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» (بهمنی، ۱۳۹۳) و در خصوص فرهنگ‌سازی دینی نیز می‌توان به مقاله «راه‌های نهادینه‌سازی فرهنگ دینی توسط کارگزاران و تأثیر آن بر پیشرفت جامعه با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه» (کهن‌ترابی، ۱۳۹۵) اشاره کرد.

همان‌گونه که از منابع مزبور به دست می‌آید، تاکنون هیچ اثری در خصوص نقش مبلغان دینی پیرامون باورمندسازی تمدن نوین اسلامی منتشر نشده است. از این رو این پژوهش از این جهت بکر و نو می‌باشد.

۱. مفهوم‌شناسی پژوهش

۱-۱. تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی

در تعریف تمدن آمده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن

اساسی است: یکی بخش ابزاری و دیگری بخش متنی که برای تحقق آن فعالیت در هر دو بخش حائز اهمیت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

امروز نیز همانند صدر اسلام، ترویج گفتمان جدید تمدن نوین اسلامی ایرانی، نیازمند فرهنگ‌سازی، جهاد تبیین و باورمندسازی توسط نظریه‌پردازان، متولیان فرهنگ، روحانیون و عالمان دینی است. از این رو فرهنگ‌سازی و باورمندسازی تحقق تمدن نوین اسلامی، به‌عنوان دگرگون‌ترین انقلاب اسلامی ضرورتی غیرقابل انکار است. مبلغان دینی به‌عنوان پیش‌قراولان توسعه فرهنگ اسلامی در جامعه نقشی بی‌بدیل در تبیین، باورمندسازی و فرهنگ‌سازی تمدن نوین اسلامی خواهند داشت. از این جهت که بحث تمدن نوین اسلامی در طول دو دهه گذشته توسط امام خامنه‌ای، به‌عنوان ایده‌ای نو و در غایت اهداف انقلاب اسلامی بیان شده است، بسیاری از ابعاد آن نیازمند تحقیق و پژوهش است. اجمالاً، این تحقیق بر آن است که با روش توصیفی - تحلیلی و بررسی اسنادی، به بررسی و تبیین نقش روحانیون و مبلغان دینی در باورمندسازی و فرهنگ‌سازی تمدن نوین اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که مبلغان دینی چه نقشی در باورمندسازی تمدن نوین اسلامی در اندیشه معظم‌له دارند؟

در زمینه پیشینه تحقیق، باید گفت: برخی آثار و مقالاتی در خصوص فرهنگ‌سازی دینی و یا تمدن نوین اسلامی وجود دارند که عبارت است از:

- کتاب مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری (فولادی و حسینی (۱۴۰۱)، در فصل دوم به موانع تدوین الگوی اسلامی - ایرانی تمدن نوین اسلامی و نیز عوامل افول و رکود تمدن اسلامی و در فصل چهارم نیز به واکاوی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پرداخته‌اند. روشن است که این اثر نگاهی به نهادینه‌سازی تمدن اسلامی از سوی روحانیون ندارد.

- مقاله «مسئله‌شناسی آینده تحقق تمدن نوین اسلامی» (عیوضی، ۱۳۹۶)، با رویکردی آینده‌نگرانه که بر اساس آن و با محوریت تمدن اسلامی می‌تواند خود را در نزد جهانیان مقبول نشان دهد. به‌طور مشخص نویسنده بر جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نظام سیاسی ایدئال و نقطه آغازی برای تمدن نوین اسلامی می‌نگرد که در نهایت

مادیات و معنویات در کنار هم و قدرت سیاسی همراه با عدالت قرار گیرند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۷/۲۳). امام خامنه‌ای، تمدن نوین اسلامی را تمدنی رشددهنده و پویا و دارای اهداف متعالی انسانی معرفی می‌نمایند: «شاخصه‌های اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۲/۹). معظم‌له در جای دیگری مفهوم تمدن نوین اسلامی را مرادف با پیشرفت همه‌جانبه چه در بخش‌های ایزاری و چه در بخش‌های متنی بیان می‌دارند. بخش ایزاری که شامل ارزش‌هایی است که امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌شود مانند علم، اختراع، صنعت و بخش متنی که همان سبک زندگی اسلامی است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

بنابراین، تمدن نوین اسلامی ادامه تمدن اسلامی و برگرفته از متن اسلام ناب محمدی است. تمدن اسلامی بر اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که هدف آن، این است که انسان را به کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد (فوزی و صنمزاده، ۱۳۹۱، ص ۳۶) و شامل همه جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن نوین اسلامی نیز بازسازی تمدن اسلامی، بر اساس الگوهای جدید و مطابق با مقتضیات زمان و مکانی است. علت نوین خواندن آن این است که این تمدن، با الگوهای جدید و کارآمدتر و با رها کردن نواقص و ضعف‌های تمدن سابق در حال شکل‌گیری است (فولادی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۲).

۱-۲. باورمندسازی

یکی از مهم‌ترین عواملی که در زندگی می‌تواند موجب پیشرفت و ترقی افراد شود، باور قلبی است. باور می‌تواند درست و غلط باشد که درست و غلط بودن آن را خود انسان تعیین می‌کند. باورهای درست افراد را به موفقیت رسانده و باور غلط مانع رسیدن آنها به موفقیت می‌شود. در یک معنای دقیق و ساده، باور ذهنیتی است که ما در ضمیر ناخودآگاه خود داریم، همان باوری است که در ما وجود دارد (مه‌دیوان نسب، ۱۴۰۲).

و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۳۰). گرچه مفهوم تمدن به‌طور عام از دیرباز وجود داشته و ابن‌خلدون با کلیدواژه‌های «ال عمران» و «الحضاره» بدان پرداخته است (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۲)، ولی واژه و مفهوم اصطلاحی تمدن به‌معنای امروزی از قرن ۱۸ میلادی بر اساس دیدگاه انسان‌محور در مغرب‌زمین شکل گرفته و دانشمندان علوم اجتماعی تعریف‌هایی متفاوت از آن ارائه کرده‌اند (ولایتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۵-۲۷؛ بی‌نام، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴-۱۶).

ابن‌خلدون مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیه، شهرنشینی، دین و عصبیت دانسته و حضارت را یکی از مراحل زندگانی جامعه می‌داند که مرحله بداوت آن را به کمال می‌رساند (سپهری، ۱۳۸۵، ص ۳۱). ایشان درباره مدنیت می‌نویسد: «در اینکه اجتماع نوع انسان ضروری است و حکیمان این معنی را بدین‌سان تعبیر می‌کنند که انسان دارای سرشت مدنی است؛ یعنی ناگزیر است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند و معنی عمران همین است» (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷). به اعتقاد وی، حضارت و بداوت هم‌دیگر را کامل می‌کنند و حضارت به‌معنای تأسیس شهرها و شهرک‌ها و استقرار است که حکومت، مدنیت، مکاسب زندگی، صنایع و علوم و وسایل رفاه و آسایش در آن پدید می‌آید (سپهری، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

رهبر معظم انقلاب با رویکرد ایجابی و سلبی تمدن را تعریف می‌کنند و برای آن توجه ویژه‌ای به ارکان و مبادی دارند. ضمن اینکه ایشان تمدن را بما هو تعریف نمی‌کنند و مستقیم به سراغ تعریف تمدن اسلامی می‌روند. از منظر ایشان، تمدن نوین اسلامی پیشرفت همه‌جانبه‌ای است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی انسان‌ها بعد معنوی آنان را به سمت کمال راهنمایی می‌کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

اما نوین در لغت منسوب به نو، جدید، بدیع را گویند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۸۷؛ عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳۶). و در اصطلاح، مراد از تمدن نوین، تمدنی است که اگرچه با تمدن گذشته مشابهت و ارتباطات دارد، اما دارای ویژه‌ای‌های جدید و مختص به خود است. مفهوم «تمدن نوین اسلامی»، یعنی تمدنی که در آن علاوه بر وجود پیشرفت همه‌جانبه در همه عرصه‌های آن، علم و اخلاق،

بدان عمل می‌نمایند. به‌عنوان بخشی از این فرایند، تأثیراتی که فرد را محدود می‌کند، هدایت می‌کند و یا فرد را شکل می‌دهد (خواه عمداً یا نه)؛ شامل والدین، سایر بزرگسالان و همسالان می‌شود. در صورت موفقیت، فرهنگ‌سازی منجر به شایستگی در زبان، ارزش‌ها و آیین‌های فرهنگ می‌شود (گریسک، ۲۰۰۷، ص ۵۴۷).

۲. راهکارهای باورمندسازی تمدن اسلامی

پاسداری از دین، وظیفه‌ای است که پس از پیامبر اسلام ﷺ، به دوش امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است. ائمه اطهار علیهم‌السلام در زمان حیات خویش با همه توان، پاسدار دین بوده، به نشر حقایق دینی و تفسیر آن می‌پرداختند و هم ایشان سفارش نموده‌اند که گروهی به کسب معارف و حقایق دینی و سپس نشر آن بپردازند و از دین همچون دری ناب حفاظت، نگاهبانی و پاسداری کنند. ضرورت پاسداری از دین، در همه ادیان آسمانی مطرح و ضرورتی عقلی است؛ زیرا هر شیء ناب و ارزشمند همیشه دشمنانی دارد که در کمین آن هستند؛ بنابراین، پاسداری و پاسبانی از دین ضروری است. برای اینکه جامعه در مسیر خود، جهت صحیحی داشته باشد، دچار انحراف نشود، ضرورت دارد که همواره کارشناسان دینی و مذهبی در جامعه وجود داشته باشند تا بتوانند مسیر جامعه را تصحیح کنند و معارف صحیح را در دسترس اجتماع قرار دهند و مردم را از نعمت‌های عظیم معنوی، تحفه‌ای که خدای متعال به‌وسیله انبیا در دسترس بشر قرار داده است، بهره‌مند کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱)، در عصر غیبت، این وظیفه روحانیون و مبلغان دینی است. ارتباط عمیق میان مبلغان و مردم، ایجاب می‌کند که کمی دقیق‌تر به نقش مبلغان دینی در فرهنگ‌سازی و باورمندسازی جامعه بپردازیم و شاید بتوان فلسفه این امر را در سخن امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام جویا شویم که فرمودند: «خدا، ضروری است که در زمین تو حجت‌هایی باشد که یکی پس از دیگری بر خلقت فرود آیند تا آنها را به دینت هدایت سازند و علم تو را به آنها فرا دهند تا بدین طریق موالیان تو را از تفرقه و پراکندگی نجات دهند» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۹). اگرچه حجت‌های واقعی خدا، انبیا و ائمه اطهارند، ولی در زمان غیبت، علما به‌عنوان حافظان دین و شریعت اسلامی و مفسران دین، وظیفه هدایت جامعه را بر عهده دارند و مردم وظیفه دارند به آنان مراجعه نمایند و آن حجت غایب خود فرمود: «در حوادث واقعه به

واژه باور در زبان فارسی تقریباً مترادف، عقیده ایمان و اعتقاد است. باورها، اندیشه‌هایی هستند که فرد به‌درستی و حقانیت آنها اعتقاد دارد (پارسا، ۱۳۸۳، ص ۳۱۲). باورهای انسان چون دنیای او را می‌سازند و به او ثبات نظر و عقیده می‌دهند، نسبت به عقاید او کلی‌تر هستند. وقتی باورها با عاطفه همراه شوند، نگرش را می‌سازند و زمانی که باورها تبدیل به نگرش شوند، در رفتار متجلی می‌شوند؛ پس برای تغییر رفتار انسان باید ابتدا باورهای او را تغییر داد که پیش‌زمینه این امر نیز شناخت پیچیدگی‌های تفکر آدمی و انگیزه‌هایی است که مردم را به مقاومت در برابر تغییر وادار می‌کنند (همدانی، ۱۳۹۳). فرایند ایجاد باورهای جدید را باورمندسازی می‌گویند (حسینی میرصفی و دیگران، ۱۳۹۹).

۱-۳. فرهنگ‌سازی

فرهنگ در لغت عبارت است از: علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت را گویند (عمید، ۱۳۸۹، ص ۷۹۵). اجمالاً جامع‌ترین تعریف از فرهنگ به ادوارد تیلور منسوب است. از نظر وی فرهنگ عبارت است از: مجموعه پیچیده‌ای شامل دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی به عادت دیگری است که به‌وسیله انسان به‌عنوان عضو جامعه اکتساب می‌شود (روح‌الامینی، ۱۳۶۸، ص ۳۵).

ازجمله معانی فرهنگ عبارت است از: کمیت درهم‌تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر قانون و اخلاقیات آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی که آدمی چون عضوی از جامعه به دست می‌آورد (صاحبی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳). فرهنگ در یک تعریف کلی عبارت است از: کلیه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، زبان و ساختارهای انسانی (انورلخولی، ۱۳۸۱، ص ۱۴). به دیگر سخن، همه داشته‌ها، یافته‌ها و توانایی‌های انسان اجتماعی، در قالب مفهوم فرهنگ جای می‌گیرد و به عادات یا کارکردهای تکرارپذیر و مقبول انسان در جامعه اطلاق می‌گردد.

از منظر رهبر معظم انقلاب، فرهنگ عبارت است از: «ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳/۵/۵). فرهنگ‌سازی فرایندی است که در آن افراد پویایی فرهنگ پیرامون خود را فرامی‌گیرند و در رویه رفتاری خود مورد عمل قرار می‌دهند و ارزش‌ها و هنجارهای مناسب یا لازم با آن فرهنگ و جهان‌بینی آن را به دست آورده و سپس

راویان حدیث و علما مراجعه کنید» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۷).
لذا امروزه، به‌خصوص در دو دهه اخیر انقلاب، شاهد این نقش پررنگ و مؤثر روحانیون و مبلغان دینی در احیای فرهنگ غنی اسلام و حفظ باورها و معتقدات دینی مردم بوده‌ایم (حسنی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۲).
از این رو به‌جرت می‌توان گفت: روحانیون مبلغان دینی در تاریخ ایران، همواره نقش حاملان فرهنگ را داشته و از نظر جایگاه نیز در مقام برجسته‌ای قرار داشته‌اند، به‌گونه‌ای که «روحانیت، به‌عنوان سازمان رهبری‌کننده مردم و گروهی از افراد هستند که پیشرفت یا افول جامعه را با روحانیت در ارتباط می‌دانند» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۳۳۹).
بنابراین، می‌توان رسالت روحانیون و مبلغان دینی در فرهنگ‌سازی و باورمندسازی تمدن نوین اسلامی را در دو محور اقدامات نظری و عملی بیان داشت:

۲-۱. اقدامات نظری

الف. دفاع و مرزبانی از مکتب تشیع و معارف اهل‌بیت
عالمان و روحانیون دینی همواره به‌عنوان سنگربانان دینی به دفاع از اسلام و تشیع پرداخته‌اند. همان‌طور که در سده‌های اول شکل‌گیری تشیع، عالمانی مانند شیخ مفید و سیدمرتضی در برابر متکلمان معتزله و اشاعره به دفاع از تشیع پرداخته و تا به امروز ارزش‌های دینی را حفظ نموده و فرهنگ غنی شیعه را برای همه نسل‌ها به ارمغان آوردند. انقلاب اسلامی ایران، به رهبری روحانیت شیعه، به‌عنوان پدیده منحصربه‌فرد و واقعیت سیاسی - اجتماعی بی‌نظیر قرن، با چشم‌اندازی اسطوره‌ای قالب تفکرات شکل‌گرفته در دو قرن اخیر را در هم شکست و نقطه عطفی در بیداری اسلامی و داعیه تمدن‌سازی دارد. ویژگی دوران معاصر، حاکمیت فرهنگ و تمدن سکولار غربی و چالش‌های بنیادین آن با فرهنگ و تمدن اسلامی است. رویارویی اسلام سیاسی با مدرنیسم غربی در عرصه سیاست جهانی، به‌ویژه مقابله‌جویی حامیان آن با آموزه‌های مدرنیسم، موجب اهمیت مضاعف این انقلاب در عرصه جهانی گردید. در این میان، روحانیت به‌عنوان پرچم‌داران اسلام و مکتب انقلاب اسلامی و به‌عنوان نظریه‌پرداز حکومت دینی، به سنگربانی و دفاع از مکتب تشیع، معارف اهل‌بیت و بازسازی تمدن اسلامی پرداخته است و به‌عنوان یک مبلغ دینی، سعی خود را در دفاع از ارزش‌های دینی و نیز گسترش آن مبذول داشته است. حوزه و روحانیت توانستند بذر

ایمان را در دل‌ها بکارند و باور دینی را در جان‌ها، بپروراند وراثت (پرچم) دین را در این مرز و بوم برافرازند. این تلاش غالباً در شرایط سخت و به‌دور از رفاه و آسایش رقم خورد (حسنی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۲).
در دوران غیبت کبرا، یکی به‌خاطر عدم دسترسی به امام و دیگری به‌خاطر اختلاف‌نظرهای طبیعی میان علما و خبرگان وظیفه علما در برآوردن نیازهای دینی جامعه دوچندان می‌شود و مهم‌ترین وظیفه علما در این برهه که دفاع از مکتب تشیع است محقق می‌گردد. رهبر معظم انقلاب در این باره معتقدند: «اینجاست که یکی از مهم‌ترین وظایف رهبران امت در آن برهه از زمان رخ می‌نماید... و آن وظیفه عبارت است از اینکه تشیع به‌مثابه یک نظام فکری و عملی، مرزبندی شود و برای آن از لحاظ عقیدتی و عملی با استفاده از میراث ارزشمند سخنان ائمه چارچوبی ترسیم گردد؛ و بدین‌گونه هویت مستقل و مرزبندی‌شده مذهب اهل‌بیت مشخص گشته در معرض فهم و استفاده پیروانش قرار گیرد. این کار به علما و متفکران شیعه این امکان را می‌داد که انحراف اصولی، یعنی خروج از حیطه مبانی مذهب در فقه و کلام را، از اختلاف‌نظرهایی که در داخل محدوده مکتب پیش می‌آید، بتوانند جدا کرد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳/۱/۲۸).

ب. جهاد تبیین

اکنون که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مورد هجوم همه‌جانبه قدرت‌های مستبد جهانی قرار گرفته است، دشمنان ایران اسلامی، سلاح قدرتمند رسانه و جنگ هیبریدی را برای مقابله با انقلاب انتخاب نموده‌اند که یکی از راه‌های مقابله با آن پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی است. مقام معظم رهبری، کم‌کاری در خصوص بیان دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی را گوشزد نموده‌اند و میدان برای تبیین را بسیار بیش از اینکه صورت پذیرفته، ضروری می‌دانند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹). به فرموده رهبر انقلاب، بهترین مقابله با این هجوم پیچیده و جنگ ترکیبی دشمنان تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی و پاسداری از آن یا جهاد تبیین است. معظم‌له در ضمن دیدار با مردم قم بر این امر تأکید نموده و فرمودند: «دشمن در رأس نقشه‌هایش تبلیغات است؛ به قول خودشان پروپاگاندا است. علاج پروپاگاندا تبیین است، تبیین حقیقت از زبانه‌ای مختلف، از حنجره‌های مختلف، با تعبیرات مختلف، با ابتکارات مختلف؛ تبیین» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۱/۱۰/۱۹).

معظم‌له قرار گرفتن در جبهه جهاد تبیین را نه فقط برای حوزویان و دانشگاهیان، بلکه آن را امری لازم برای تمامی نهادهای رسانه‌ای و تبلیغاتی و هر شخصی و نهادی که قدرت تأثیر بر پیرامون خود را دارد دانسته‌اند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۱/۱۰/۱۹).

ج. نظریه‌پردازی در علوم انسانی

علوم انسانی نقشی حیاتی در پیشرفت همه‌جانبه هر جامعه‌ای دارد. شکل‌گیری و استمرار تمدن اسلامی، علاوه بر ملزومات مادی، نیازمند وجه معرفتی این علوم هستند. در واقع، اساسی‌ترین کارکرد علوم انسانی اداره و مدیریت اجتماعات بشری از طریق سیاست‌گذاری‌های کلان است (فرم‌هینی فراهانی و انجمن سرخابی، ۱۳۹۹، ص ۵۰۱-۵۲۲). در واقع، نظریه‌پردازی در علوم انسانی، به‌مثابه ریل‌گذاری مسیر و جهت حرکت پیشرفت هر جامعه‌ای است که به فعالیت‌های خرد و کلان جامعه در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهت می‌دهد. از این رو می‌توان گفت: اختلال و ناکارآمدی در علوم انسانی، موجب ناکارآمدی در اداره جامعه و اختلال در زندگی اجتماعی است. رهبر فرزانه انقلاب در زمینه توجه به علوم انسانی و ضرورت نظریه‌پردازی در آن می‌فرماید: «با توجه به اینکه انقلاب اسلامی و به‌تبع آن، جمهوری اسلامی به دنبال ارائه طرحی جدید هست که دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در همه زمینه‌های علوم انسانی، در همه بخش‌هایی که برای کشور مورد نیاز است، مراحل دورتری را در مقابل چشمشان و مدنظرشان قرار بدهند؛ کار را باید مترکم‌تر کنند... باید جوانان ما همتشان این باشد که باگذشت یکی دو دهه دیگر، کشورشان را یک مرجع علمی برای دانشمندان جهان قرار بدهند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۱/۱).

ایشان یکی از وظایف حوزه‌های علمیه روحانیون و مبلغان دین را نظریه‌پردازی در تمامی ابعاد مورد نیاز نظام مقدس اسلامی از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ، مدیریت، مسائل جنگ و صلح، تربیت و... دانسته، در این خصوص می‌فرماید: «آن حقیقت اول که گفتیم نظام مستظهر به حوزه‌های علمیه است، به خاطر این است که نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷/۹/۲۳).

د. مهندسی و مدیریت فرهنگی

یکی از اقدامات تأثیرگذار در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مهندسی و مدیریت فرهنگی است که اساس آن بر مبنای توجه به فرهنگ است و هدف نهایی هر نوع تغییر و تحولی، باید بهبود کیفی نظام اعتقادات، باورها و ارزش‌های و فرهنگ جامعه باشد. این رویکرد مدیریتی را در مدیریت انبیای الهی نیز می‌توان مشاهده کرد. انتظار می‌رود هرگونه برنامه‌ریزی برای پیشرفت بر محور فرهنگ قرار داده شود و زمینه اعتلای اخلاقی جامعه فراهم آید؛ چراکه فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. باید فرهنگ جامعه اسلامی در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، با رسالت اصلی دین اسلام؛ یعنی ساختن انسان مؤمن و رو به رشد، هماهنگ باشد؛ چراکه فرهنگ مجموعه ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهایی است که شیوه زندگی شایسته و بایسته را برای انسان فراهم می‌کند و به سایر جلوه‌های عقل و احساس بشر نیز جهت می‌دهد.

بنابراین، وقتی بر نقش فرهنگ و مدیریت فرهنگی، در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تأکید می‌شود، هویت اصیل جامعه مدنظر است؛ هویت و کلتی که در گام اول، تمام ابعاد انسان مورد توجه قرار دارد؛ در گام دوم همه لایه‌های فرهنگ (رفتاری، نظری و گرایش) و در گام سوم، تمام سطوح فرهنگ (عمومی، تخصصی و بنیادی) را دربر می‌گیرد. همه اینها باید مبتنی بر مبنای ناب اسلامی جهت‌دهی و مدیریت شود و متولیان واقعی این امر، روحانیان دغدغه‌مند و پیشرانان حرکت تمدنی انقلاب اسلامی هستند.

امام خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید: «رهاسازی فرهنگ اصلاً جایز نیست. مدیریت فرهنگ یک کار بسیار لازم است؛ و مدیریت هم باید بر مبنای شعارهای انقلاب و مبنای انقلاب باشد؛ یعنی مراقبت بشود آنچه اصل است، این است که مبنای انقلاب و مبنای استقلال کشور امام و مانند اینها باید محفوظ باشد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۶/۴).

۲-۳. اقدامات عملی

الف. ایجاد امید و انگیزه در مردم

یکی از فعالیت‌های دشمنان انقلاب اسلامی برای مبارزه با انقلاب ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در مردم نسبت به آینده انقلاب است. از این رو رهبر معظم انقلاب یکی از بدترین حوادث برای یک ملت را از دست دادن اعتماد به نفس و امید به آینده دانسته، می‌فرماید: «امید

- شخصیت پیامبر اکرم (ص): الگوی عظیم تمدنی

آیت‌الله خامنه‌ای، پیامبر اکرم ﷺ را جدای از خصوصیات معنوی و از لحاظ شخصیت انسانی و بشری، یک انسان فوق‌العاده، طراز اول و بی‌نظیر می‌داند. یک شخصیت عظیم، با ظرفیت بی‌نهایت و با خلق و رفتار و کردار بی‌نظیر، در صدر سلسله انبیا و اولیا و ما مسلمانات را موظف به اقتدا از ایشان دانسته، در نتیجه شناخت رسول گرامی اسلام ﷺ را بر همگان لازم می‌داند. از منظر ایشان، معرفی شخصیت پیامبر گرامی اسلام، بهترین راه تبلیغ برای اسلام است و نیز درس گرفتن از شخصیت پیامبر گرامی اسلام، برای رفع همه نیازهای بشری کفایت می‌کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۱۱/۲۱).

- پیامبر اکرم ﷺ: بنیانگذار برترین الگوی تمدنی

رهبر معظم انقلاب، هدف از رسالت پیامبر گرامی اسلام ﷺ را اصلاح همه دنیا در آن زمان و مکان خاص در صدر اسلام نمی‌داند؛ چراکه چنین هدفی در آن زمان محدود و با توجه به امکانات محدود بشر مقدور نبوده است، بلکه هدف از بعثت نبی مکرم اسلام را بی‌ریزی تمدنی الهی می‌داند تا بشر در طول زندگی خود آن را به کار بندد. لذا معتقدند: تمدن اسلامی پیامبر مکرم اسلام ﷺ را به‌عنوان یک الگوی تمام‌عیار و عظیم تمدنی می‌تواند مورد استفاده و توجه مسلمان قرار داد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۱۰/۲۰).

ج. پیشروانی در حرکت تمدنی

هرچند تحولات بزرگ اجتماعی و انقلاب‌های عظیم تاریخی، بر دوش قدرتمند مردم به پیش می‌رود، اما وجود حلقه‌هایی از نیروهای پیشتاز و اصلی برای ایجاد زمینه‌های حرکت و علامت‌گذاری راه‌های رسیدن به پیروزی و نیز دیده‌بانی آسیب‌ها و فرصت‌ها امری کاملاً منطقی و درعین‌حال ضروری است. در انقلاب اسلامی که دارای خاستگاه، اهداف و روش‌های دینی بوده است، جزء روحانیون و مبلغان دینی را نمی‌توان به‌عنوان پیشتازان و رهبران این انقلاب نام برد. هرچند روحانیت در حرکت‌های تاریخی پیش از انقلاب نیز حضور داشته و یا افرادی غیرحوزوی نیز در شکل‌دهی و دیده‌بانی نهضت وجود داشته‌اند، اما نیروی پیشاهنگ و پیشرانان انقلاب اسلامی، روحانیون بودند. رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «حوزه علمیه، باید در صف اول حرکت عظیم جامعه قرار داشته باشد»

و اعتماد، در تبلیغ باید وجود داشته باشد. برای یک ملت بدترین حادثه این است که اعتماد به نفس‌اش را از دست بدهد، امیدش به آینده را از دست بدهد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۶/۱۰/۶). ایشان، لزوم امید به آینده در مبلغان دینی و انتقال این امید به مردم را برگرفته از آیات قرآن در خصوص تبلیغ دانسته، مطابق آیه شریفه «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب: ۳۹)، در میان پیامبران پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و (تنها) از او می‌ترسیدند و از هیچ‌کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش‌دهنده اعمال آنها) است! از آن جهت که این تبلیغ، دشمن دارد و دشمنان در مقابل این پیامبران صف‌آرایی می‌نمایند و این رسولان فقط از خدا می‌ترسند و از غیرخدا دشمنان هیچ ترسی ندارند. همچنین آیه شریفه می‌فرماید: «تَبَلَّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ الرِّبَاكِ وَ إِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده: ۶۷)؛ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! و نیز خداوند می‌فرماید: «خدا تو را حفظ می‌کند نشان‌دهنده این است که در مقابل تبلیغ پیامبران دشمنانی وجود دارد که خدا آنان را از دسیسه‌ها و شر این دشمنان حفظ می‌نماید» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۶/۱۰/۶). بنابراین، رسالت مبلغان دینی، امیدآفرینی و ایجاد انگیزه برای مردم و خوش‌بینی نسبت به آینده درخشان و راه درست ایشان است. البته راه حق همواره مشقت‌ها و دشمنانی دارد.

ب. معرفی الگوهای جامع و عظیم تمدنی

یکی از روش‌های مهم برای فرهنگ‌سازی صحیح و سازنده، ارائه الگوی مناسب و درست در عرصه تمدنی است تا به‌عنوان معیار و ملاک داوری همیشه در جلو چشم مردم باشد. الگو، نمونه‌ای است که در برابر چشمان قرار دارد و آدمی بدون استفاده از لغات و کلمات از او چیز می‌آموزد (قائمی، ۱۳۹۱، ص ۹۷). از این رو یکی از کارهای مهم فرهنگ‌سازی تمدن نوین اسلامی، الگوسازی از شخصیت عظیم و جامع تمدنی دنیای اسلام، پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام است. رهبر معظم انقلاب شخصیت پیامبر گرامی اسلام را از دو جهت حائز بررسی و الگو بودن می‌داند: جهت اول شخصیت والای انسانی خود پیامبر گرامی اسلام است و جهت دوم تمدن غنی اسلام.

(بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳/۶/۲۰). معظم‌له، رفتار و عملکرد روحانیون، مبلغان دینی و مراجع تقلید بزرگ... در کارهای اساسی مانند جنگ، حضور در جبهه‌ها، تحریض بر حضور در جبهه‌ها، کارهای اقتصادی و غیره، همیشه در صف مقدم بودند. حوزه، باید این‌طور باشد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳/۶/۲۰). یا در جای دیگر، پیروزی انقلاب اسلامی را بدون حضور روحانیت و پیشگامی آنان امکان‌پذیر نمی‌دانند: «اگر روحانیت و طلبه‌های معمم نبودند، این انقلاب شکل نمی‌گرفت» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۴/۸/۱۰).

د. راهبری و هدایت مردم

روحانیت در طول تاریخ کشورمان، همواره به‌عنوان متولی اصلی هدایت دینی در جامعه به‌شمار می‌رود. به‌عبارت‌دیگر، مرجع رسمی تبیین ارزش‌ها و تثبیت باورهای دینی و استنباط و افتای احکام عملی در طول قرن‌ها پس از طلوع خورشید اسلام، روحانیون شیعه بوده است؛ چنان‌که در پاسخگویی به شبهات اعتقادی و نیز گفت‌وگوی میان ادیان، همواره روحانیت پیشران بوده است. لذا روحانیت در پرتو همان محوریت دینی خویش، می‌تواند توده مردم دین‌خواه را به دنبال خود گسیل دارد و بالاخره هدایت و اجرای یک انقلاب عظیم مبتنی بر دین را همان‌طور که در بیست و دوم بهمن پنجاه و هفت به انجام رساند، در تمدن نوین اسلامی بر عهده گیرد. آیت‌الله خامنه‌ای، هدایت و رهبری دینی جامعه را دو وظیفه عمده مبلغان دینی و روحانیت برشمرده، آن را شامل سه نوع ذیل ذکر می‌نماید:

- هدایت فکری و دینی

ایشان مفهوم هدایت دینی را «تبیین اندیشه‌های ناب اسلامی» می‌دانند و با اشاره به تأثیر فضای مجازی در افزایش شبهات دینی و وجود انگیزه‌های سیاسی برای تزریق افکار منحرف و غلط در ذهن جوانان می‌فرمایند: «این میدان، میدان واقعی جنگ است و روحانیون و طلاب باید مسلح و آماده، وارد عرصه مقابله با شبهات و تفکرات غلط و انحرافی شوند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۲/۲۵).

- هدایت سیاسی و بصیرت‌افزایی

رهبر معظم انقلاب حضور روحانیت در صدر حرکات انقلابی دانسته، هدایت و به حرکت درآوردن مردم در این مسیر و البته استمرار آن را

بدون حضور مستمر روحانیون غیرممکن می‌دانند و در این خصوص می‌فرمایند: «علت تأکید مکرر بر ضرورت انقلابی بودن حوزه‌های علمیه این است که استمرار حرکت صحیح و انقلابی کشور و جامعه، بدون حضور مستمر روحانیت امکان‌پذیر نیست» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۲/۲۵). همچنین با اشاره به قضایای تنباکو، مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت، شکست این‌گونه نهضت‌های انقلابی را عدم استمرار حضور روحانیت در آن دانسته، می‌فرمایند: «مشروطیت و نهضت ملی به علت استمرار نیافتن حضور روحانیت به اهداف خود نرسید، اما هنر امام خمینی علیه‌السلام این بود که نگذاشت دشمن، حضور روحانیت را در حرکت عظیم انقلاب و پس از آن متوقف کند؛ چراکه در غیر این صورت، نه انقلاب پیروز می‌شد و نه جمهوری اسلامی به حرکت خود ادامه می‌داد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۲/۲۵). معظم‌له، یکی از تلاش‌های دشمنان علیه انقلاب را حذف حضور روحانیت از صحنه‌های انقلاب و سپس از بین بردن حضور مردم از صحنه‌های انقلاب می‌دانند که تاکنون موفق به تحقق اهداف شوم خود نشده‌اند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۲/۲۵).

- هدایت در عرصه خدمات اجتماعی

از نظر رهبر معظم انقلاب، هدایت در عرصه خدمات اجتماعی، یکی دیگر از وظایف روحانیت است که این هدایت را به مجموعه فعالیت‌های تخصصی، فنی، مهارتی و عام‌المنفعه علمی و اقتصادی‌ای که روحانیت می‌بایست در آن به‌عنوان راهبر اصلی حضور داشته باشد؛ برمی‌شمارند: «حضور طلاب در خدمات‌رسانی به مردم، مدرسه‌سازی، بیمارستان‌سازی، کمک به مردم هنگام حوادث و دیگر عرصه‌ها، نیروهای مردمی را نیز به صحنه می‌آورد و منشأ خدمات خواهد شد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۲/۲۵).

- ترویج و تبلیغ معارف ناب اهل‌بیت علیهم‌السلام

در عصر حاضر، از جمله تحولاتی که همه جوامع بشری، به‌ویژه جوامع دینی را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار داد، تغییر در حوزه ارتباطات و پیدایش وسایل ارتباط جمعی نوین است. این امر از یک‌سو، حاکی از نیاز این جوامع به این وسایل برای جابه‌جایی سریع اطلاعات، گسترش دانش و نیاز به سرگرمی و تفریح است. از سوی دیگر، خود این ابزارها، تأثیر بسیار عمیقی بر ایجاد نیازها و

منطبق بر دیدگاه جامع، وظیفه و تکلیفی اجتناب‌ناپذیر است که در صورت بی‌توجهی به آن، جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های طبیعی ناشی از تأثیرات غیرارادی و کنترل‌نشده انقلاب در محیط پیرامون و تهدیدات برنامه‌ریزی‌شده دشمنان انقلاب اسلامی مواجه می‌کند (فرزندی اردکانی، ۱۳۸۶، ص ۹۷-۱۱۷). امام خمینی علیه السلام تلاوم انقلاب و کارآمدی و تحقق اهداف آن را وابسته به صدور انقلاب دانسته و در صورت غفلت از این امر مهم و محصور ماندن انقلاب در مرزهای انقلاب، شکست انقلاب را قطعی می‌دانستند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۲۰۲).

از منظر رهبر فرزانه انقلاب، صدور انقلاب به معنای انتقال ارزش‌های معنوی و الهی آن و رساندن این رسالت به گوش جهانیان، از طریق استفاده از امکانات و ابزارهای پیام‌رسانی است که باید این هدف با استفاده از راهکارهای موجود مانند دعوت و تبیین مفاهیم و معارف اسلامی در جهان معرفی و تبیین فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی صورت گیرد. بدین‌سان، معنای صدور انقلاب کشورگشایی و سلطه‌جویی و تسلط بر کشورهای دیگر نیست (سالار، ۱۳۸۲، ص ۱۸-۳۱).

رهبر معظم انقلاب، صدور انقلاب را اندیشه‌ای مورد تأیید و برگرفته از انبیای الهی می‌داند و آن را به معنای صدور فرهنگ اسلامی برمی‌شمارند و بسترساز احیای تمدن اسلامی، در این خصوص می‌فرمایند: «صدور انقلاب، یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی، ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این، راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۴/۱۹).

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای، روحانیون و مبلغان دینی را محور صدور انقلاب دانسته، با اشاره به قم، به عنوان مرکز انقلاب اسلامی، صدور انقلاب را به آن نسبت داده، می‌فرمایند: «قم، همیشه باید آن دریای خروشان‌مانند که هر جریان مخالفی در آن حل شود. باید همواره آن رود پُربرکتی باشد که آثار و برکات اسلامی خود را به سرتاسر میهن اسلامی و بیرون آن صادر کند. قم، مرکز انقلاب و اسلام است؛ چون مرکز حوزه علمیه و علمای بزرگ و پرورشگاه انسان‌هایی است که می‌تواند انقلاب و کشور و ملت را در سطوح مختلف هدایت کند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹).

خواسته‌های جدید و کاذب داشته، بسیاری از عرصه‌های زندگی از جمله تبلیغ سنتی دین و اخلاق را دچار چالش کرده است. در گذشته، ارتباط میان انسان‌ها و حتی تبلیغ نیز به‌ویژه تبلیغ دینی، عموماً چهره به چهره بود. ولی با ظهور ابزارهای ارتباطی نوین، این جریان شکل جدیدی به خود گرفت؛ پیشرفت فناوری در تولید و ارائه پیام، ترویج و تبلیغ آموزه‌های دینی و اخلاقی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. از این‌رو حوزه دین، تبلیغ و تعامل آنها با یکدیگر، از جمله موضوعات اساسی، پیچیده و پردامنه‌ای است که در چند دهه اخیر، دچار تحول شده و اذهان ارتباط‌پژوهان و دین‌پژوهان را به خود معطوف داشته است.

از سوی دیگر، محتوای تبلیغ دین، تبلیغ قرآن و معارف اهل‌بیت علیهم السلام است. محکم‌ترین و پایدارترین عشق و محبت‌ها، در نتیجه افزایش معرفت به وجود می‌آید. هرچه محبت انسان با شناخت معارف اهل‌بیت علیهم السلام نسبت به ایشان بیشتر بشود، پایه‌های دیانت و ایمان او مستحکم‌تر می‌گردد. با افزایش معرفت اهل‌بیت علیهم السلام است که دل‌ها هدایت و جان‌ها جلا پیدا می‌کند. بر این اساس، مبلغان باید همه تلاش خود را برای تبلیغ و ترویج دین به کار گیرند؛ زیرا وظیفه اصلی تبلیغ و ترویج معارف اهل‌بیت علیهم السلام بر دوش علما، روحانیون و مبلغان دینی قرار داده شده است. رهبر معظم انقلاب ترویج و تبلیغ معارف اهل‌بیت علیهم السلام را وظیفه علما و روحانیون می‌دانسته، می‌فرمایند: «در روایات وارد شده است؛ محاسن کلام اهل‌بیت را به دیگران معرفی کنید که - «فان الناس لو علموا محاسن کلامنا» - اگر مردم آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌های کلمات اهل‌بیت را ببینند، به‌خودی‌خود دل‌ها را متوجه آنها می‌کنند و مجذوب آنها می‌شوند؛ این امروز وظیفه ماست» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۸/۲۵).

- صدور دستاوردهای انقلاب اسلامی

اندیشه صدور انقلاب اسلامی و تلاش برای تشکیل دولت و کشور اسلامی در حرکت شتابان تمدنی، جزو اندیشه‌های مطرح پس از انقلاب اسلامی توسط بنیان‌گذار کبیر آن، امام خمینی علیه السلام بوده است، به نحوی که ایشان صدور انقلاب را منبعث از مبانی شرعی دانسته، برای مسئولان جمهوری اسلامی ایران تکلیف‌آور برمی‌شمردند. از نظر تعاملات برون‌مرزی و حفظ منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران نیز صدور انقلاب موضوعیت دارد؛ بدین معنا که صدور انقلاب

- نقد نظریات موجود غربی

یکی از راه‌های بازگشت به تمدن اسلامی، استقلال فکری و اندیشه‌ای و داشتن نقشه راه حرکت تمدنی، تربیت متخصصان در عرصه حیات علمی، مطابق با آموزه‌های اسلامی و در نتیجه، نقد اندیشه‌های وارداتی غربی است. با ورود اندیشه‌های غربی به کشورهای اسلامی، اندیشمندان مسلمان برای تعامل میان اندیشه شیعی با تفکرات غربی چند راه را پیشنهاد داده‌اند: ۱. تسلیم محض؛ آن‌گونه که در اندیشه‌های ملکم خان ناظم الدوله، تقی‌زاده، آخوندزاده و... وجود دارد؛ ۲. اخذ و اقتباس گزینشی؛ بیشتر در روشنفکران متأخر مشاهده می‌کنیم؛ ۳. طرد مطلق اندیشه‌های غربی که بیشتر در ابتدای ورود آن از سوی برخی علمای سطوح پایین شیعه ارائه شده است؛ ۴. پالایش اندیشه‌های غربی که اوج آن را در اندیشه و نظام سیاسی امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب شاهد هستیم. تصرف، نه تسلیم است، نه اقتباس و نه طرد، بلکه راهی مستقل است که اندیشه روحانیت شیعه در سیر تکامل غرب‌شناسی خود بدان رسیده است (ر.ک. رهدار، ۱۳۸۴).

با مطالعه آراء و اندیشه‌های امام خامنه‌ای در مورد اندیشه‌های غربی، درمی‌یابیم که بهترین گواه بر لزوم نقد اندیشه‌های غربی توسط علما و روحانیون، سخنرانی‌ها و عملکرد خود معظم‌له است. به‌گونه‌ای که ایشان در سخنرانی‌های متعدد خود، اندیشه غربی را نقد نموده و دارای اشکالات و ایرادات فراوانی می‌دانند (نرمانی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۲۸۹).

- بهره‌گیری از ظرفیت فضای سایبری در تبلیغ دین

یکی از مشکلات امروز جامعه ما این است که ترویج اخلاق و آموزه‌های اخلاقی به صورت سنتی و چهره به چهره، در فضاهای سایبری دچار چالش جدی شده، رسانه‌های سنتی تبلیغ، ناتوان از مقابله با رسانه‌های نوپدید شده‌اند. هرچند برخی رسانه‌های مدرن در خدمت دین و آموزه‌های دینی قرار دارند، اما این امر، تا حدودی ناکارآمدی ابزارهای سنتی تبلیغ دین و اخلاق را برجسته و در عمل تزارحماتی را در پابندی به اخلاق و تبلیغ دین پدید آورده است. از این رو ورود مبلغان دینی به فضاهای مجازی و سایبری و بهره‌گیری از ابزارهای نوین، با هدف مقابله با شبهات مطرح و دفاع از باورها و بنیادهای فکری و اعتقادی خود، ضروری است. مبلغان

دینی، به‌عنوان پیام‌رسانان و کاربران ارسال محتوا، باید علاوه بر ورود بر این فضاها و بهره‌گیری از ظرفیت فضای سایبری در ترویج دین، در کنار بعد تدافعی، نگاهی به بعد تهاجمی نیز آن نیز داشته باشند. به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب «حوزه‌های علمیه و روحانیون باید با شناخت فضای مجازی و استفاده از فرصت‌های آن، معارف و مفاهیم اسلامی را تبیین کنند... فضای مجازی به‌صورت توأمان دارای منافع و مضرات بی‌شماری است که باید با استفاده از فرصت‌های آن، مفاهیم اساسی را در سطح گسترده ترویج کرد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۶/۱۶).

نتیجه‌گیری

در قرن حاضر، بار دیگر انقلاب اسلامی با الگوگیری از تمدن عظیم اسلامی در مدینه‌النبی و با هدف بازگشت به اسلام و ارزش‌های دینی، نویدبخش شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی ایرانی در قالب الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی است که به دنبال بازگشت به تمدن اسلامی است. برای حرکت شتابان تمدنی و باورمندسازی و فرهنگ‌سازی آن، نیازمند کاربست لازم هستیم. این رسالت عظیم همچنان که در طول تاریخ میراث ماندگار روحانیت پیشرو شیعه بوده و نیز بنیان‌گذاران و رهبران اصلی پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران بوده است، در باورمندسازی حرکت شتابان تمدنی و صدور انقلاب و تشکیل کشور و دولت اسلامی نیز رسالت مبلغان دینی و روحانیون است.

این پژوهش به واکاوی نقش روحانیون و مبلغان دینی در باورمندسازی و فرهنگ‌سازی تمدن نوین اسلامی، از منظر امام خامنه‌ای پرداخت. با تحقیق و تفحص در روش‌های فرهنگ‌سازی و باورمندسازی، می‌توان رسالت روحانیون در این زمینه را از منظر معظم‌له در دو محور نظری و عملی رصد کرد:

اقدامات نظری شامل: ۱. دفاع و مرزبانی از مکتب تشیع و معارف اهل بیت علیهم السلام؛ ۲. جهاد تبیین؛ ۳. نظریه‌پردازی در علوم انسانی؛ ۴. مهندسی و مدیریت فرهنگی.

اقدامات عملی شامل: ۱. ایجاد امید و انگیزه در مردم؛ ۲. معرفی الگوهای جامع و عظیم تمدنی؛ ۳. پیشرانی در حرکت تمدنی؛ ۴. راهبری و هدایت مردم؛ ۵. ترویج و تبلیغ معارف ناب اهل بیت علیهم السلام؛ ۶. صدور دستاوردهای انقلاب اسلامی؛ ۷. نقد نظریات موجود غربی؛ ۸. تربیت مبلغ متخصص.

الصعدی، بهران محمد بن یحیی (۱۳۶۶ق). *جواهر الاخبار*. یمن: دار الحکمة الیمانیة.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبة*. قم: دار المعارف اسلامی. عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: اشجع. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۶). *مسئله‌شناسی آینده تحقق تمدن نوین اسلامی*. در: *دومین همایش تمدن نوین اسلامی (چیستی، چرایی، چگونگی)*. فرزندی اردکانی، عباسعلی (۱۳۸۶). *مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی*؛ چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب. *پژوهنامه متین*، ۳۶ (۹)، ۹۷-۱۱۷.

فرهمینی فراهانی، محسن و انجمن سرخابی، هادی (۱۳۹۹). چرایی و چگونگی تحول در علوم انسانی با نگاه به مؤلفه‌ها و آسیب‌های مطرح در آن. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۴ (۱۸)، ۵۰۱-۵۲۲. فوزی، یحیی و صنم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۱). *تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی*؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۹ (۳)، ۷-۴۰. فولادی، محمد و حسینی، فاطمه‌سادات (۱۳۹۸). *تحلیلی بر ابعاد و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی - ایرانی از منظر مقام معظم رهبری*. معرفت، ۳۰ (۲۸۰). — (۱۴۰۱). *مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری*. قم: پگاه هفتم.

فولادی‌وندا، محمد (۱۴۰۲). *تمدن اسلامی و نقش جمعیت در پویایی آن*. قم: مؤسسه قدر. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). *الوافی*. تصحیح کمال فقیه ایمانی. اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیؑ. قائمی، علی (۱۳۹۱). *برای فرزندانمان چگونه الگو باشیم؟*. مشهد: آستان قدس رضوی. کهن‌ترابی، میثم (۱۳۹۵). *راه‌های نهادینه‌سازی فرهنگ دینی توسط کارگزاران و تأثیر آن بر پیشرفت جامعه با تأکید بر آموزه‌های نهج البلاغه*. در: *مجموعه مقالات همایش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت*. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *طرحی جامع برای اسلامی‌سازی علوم*. *بیانات در کنگره بین‌المللی علوم انسانی (جلسه دوم)*. در: mesbahyazdi.ir

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *ده گفتار*. تهران: صدرا. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینیؑ.

مهدویان‌نسب، نازنین زهرا (۱۴۰۲). *باور چیست و چه اهمیتی دارد؟* در: mhdavinasab.com
نرمانی، حسن و دیگران (۱۴۰۰). *نقد تمدن نوین غرب از منظر گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر آراء حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*. *مطالعات دفاع مقدس*، ۷ (۷)، ۲۸۹.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*. چ سوم. تهران: وزارت امور خارجه.

همدانی، مصطفی (۱۳۹۳). *باور*. در: pajoohe.ir
Grusec, Joan E. Hastings (2007). *Paul D. Handbook of Socialization: Theory and Research*. Guilford Press.

به نظر می‌رسد، نقش مبلغان دینی همان‌گونه که در پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان گام نخست در پایه‌گذاری حرکت شتابان بازگشت به تمدن اسلامی، بسیار پررنگ و نقش‌آفرین بود، در تداوم این حرکت و با اقدامات نظری و عملی و بسیج توده‌های عظیم مردمی از سراسر جهان، در حرکت به سوی تشکیل دولت و کشور و تمدن اسلامی نیز بسیار حیاتی است.

منابع.....

قرآن کریم.
ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). *مقدمه ابن‌خلدون*. ترجمه محمد پروین گنابادی. چ هشتم. تهران: علمی و فرهنگی.

اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۳). *واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری*. *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، ۲۴ (۵)، ص ۸۸۵-۱۰۸.

انور الخولی، امین الشیخ (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی ورزشی*. ترجمه حمیدرضا شیخی. تهران: سمت.

بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳). *تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران)*. *نقد و نظر*، ۲ (۱۹)، ۱۹۸-۲۳۷.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، در: khamenei.ir
بی‌نام (بی‌تا). *الحضارة الغربية والحضارة الاسلامیه*. فصلیه. ج ۱.

پارسا، محمد (۱۳۸۳). *زمینه روانشناسی نوین*. چ ششم. تهران: بعثت. جمالی، مصطفی (۱۳۹۶). *چیستی و ارکان تمدن نوین اسلامی*. در: *دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی*. تهران: دانشگاه شاهد.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *تفصیل وسائل الشیعه*. قم: آل‌البيت لاحیاء التراث.

حسینی، سیدمحمدابراهیم (۱۳۸۲). *نقش روحانیت شیعه در گستره فرهنگ دینی بعد از انقلاب اسلامی*. *اندیشه انقلاب اسلامی*، ۷ و ۸، ۲۱۱-۲۲۵.

حسینی میرصفی، اشرف‌السادات و دیگران (۱۳۹۹). *تحلیل و بررسی روش‌های تربیت اعتقادی توحید و مبانی فلسفی آن در قرآن مجید*. *قرآن و طب*، ۱ (۵)، ۸۴-۹۲.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۸). *زمینه فرهنگ‌شناسی*. تهران: میخک.

رهدار، احمد (۱۳۸۴). *کلیاتی درباره غرب‌شناسی علمای شیعه*. *رواق اندیشه*، ۴۷، ۳۶-۵۹.

سالار، محمد (۱۳۸۲). *انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی*. *اندیشه انقلاب اسلامی*، ۵، ۱۸-۳۱.

سپهری، محمد (۱۳۸۵). *تمدن اسلامی در عصر امویان*. تهران: نورالثقلین.
صاحبی، محمدجواد (۱۳۸۴). *مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.